

ایستاده‌ایم برای ایران

سمانه ابوالپور

پژوهشگر ریاضی و علوم داده

وقتی برنامه تجمع ضد جنگ شروع شد، از بین جمعیت فقط یک خانم با تیشرتی برای غزه پرچم ایران را بالای سرش گرفته بود. بقیه پلاکاردهای ضد جنگ و یا پرچم فلسطین در دست داشتند. بعضی از بچه‌ها هم با وجود آنکه پرچم همراهشان بود، ترجیح دادند در کیششان بمانند. نگران تکرار بر خورد تند مخالفان و یا ثبت عکس‌شان و ایجاد درمسر بودند.

من کلافه و نگران از اخبار جنگ، بیشتر از همیشه دعوی پرچم برایم بی‌معنی بود. چوب یکی از پلاکاردها را در آوردم و پرچمی که دور گردنم بود را به آن وصل کردم و برای جبران کوتاهی چوب، روی یک سکوی کوچک ایستادم. باد زیر پرچم می‌زد و بلندش می‌کرد.

خانمی که برای سخنرانی بالا رفت گفت: «می‌بینم که کسانی پرچم جمهوری اسلامی را بالا برده‌اند. به ما بدی شد و ما مجبور به ترک کشور شدیم، ولی حالا وقت این حرف‌ها نیست و من این مسئله را باز نمی‌کنم.»

در دلم به او حق دادم ناراحت باشد. اما به این فکر کردم که من از وقتی که به دنیا آمدم این پرچم، پرچم ایران بوده است. در همه سال‌های جوانی و نوجوانی، زمانی که به باور خیلی‌ها سیاست پدر و مادر نداشت، در حد توان خودم برای تغییر و نقد در کنار دیگران تلاش کردم و راه‌حل‌های مختلف را امتحان کردم. اما واقعیت این است که خیلی از ما مردم ایران اگر صد مسئله و نقد در این سال‌ها به حکومت داشته و داریم، شکل پرچم صدویکمین مسئله هم نبوده است. حتی همین خانم هم وقتی اعتراضش به پرچم را مطرح کرد به پاره‌انده تبعید‌شدنش اشاره کرد؛ گویی تغییر پرچم به‌واسطه احساس ظلمی دیگر برای او مسئله شده بود. به نظر در حال حاضر بخشی از این اختلاف‌افکنی‌ها و مواخذه کردن‌ها که باعث شده گرفتن پرچم ایران، باعث هتاک‌های برخی افراد شود، برنامه‌ریزی شده است و به پرچم هم ختم نشده و به سراغ هر چیزی که می‌تواند برای ما هویت و غرور ملی ایجاد کند رفته است:

پرچم جمهوری اسلامی و نه پرچم ایران

سرود جمهوری اسلامی و نه سرود ملی ایران

تیم فوتبال جمهوری اسلامی و نه تیم ملی ایران

و آنقدر پیش رفته است که حالا بعضی به تجاوز به خاک وطن، به خاک ایران، می‌گویند حمله به جمهوری اسلامی، و تلاش می‌کنند چشم‌ها را به روی آواره و کشته شدن مردم و نابود شدن سرمایه‌های کشور به اسم ضربه به جمهوری اسلامی ببندند و شهدای تجاوز به کشور را کشته‌های جمهوری اسلامی بنامند و متأسفانه در بخشی از مردم نیز اثر گذاشته‌اند.

به نظر دو گروه تندرو به‌ظاهر مخالف در داخل و خارج تلاش می‌کنند به هویت جمعی و ملی ما آسیب بزنند. هر دو کاری می‌کنند که دست و دلمان برای ایستادن کنار ایران، جلوی آسیب به ایران ببرد. امیدوارم بتوانیم ذهنمان را مستقل و آزاد نگه داریم و تحمل و مدارا را تمرین کنیم تا هیچ تفکر تند و دگم داخلی و خارجی نتواند به آن جهت دهد و تحت کنترل تور بگیرد. امیدوارم نسل‌های جوان‌تر راه‌های مدنی‌تر و عقلانی‌تر برای حل اختلافاتشان پیدا کنند و اجازه ندهند که اختلافات ما و نسل‌های قبل با ما پیش از آنکه فرصت گفت‌وگو پیدا کنند بین‌شان دیوار بکشد.

امیدوارم تصمیم‌گیران در ایران برای اقتدار ایران، برای فرصت بازگشت صلح و دوستی و آرامش به کشور، و برای به‌دست آوردن اعتماد مردم قدم‌های عملی بردارند و از اشتباهات اجتناب‌پذیری که نتیجه‌ای جز رنج، خشم و استیصال و نتیجتاً امید به نیروی بیرونی برای تغییر در پی داشته است بکاهند.

مردم نجیب و وفادار ایران همواره منظر نشانه‌های کوچک دوستی، اعتماد، کرامت و احترام از حاکمیت بوده‌اند تا بزرگوارانه چشم‌هم‌بر رنج‌های حال و گذشته ببندند و همدلا‌نه سختی‌ها را برای حرکت به جلو تحمل کنند.

حالا است احساس کنند همه به یک اندازه در تصمیم‌گیری‌ها سهیم هستند و می‌توانند سبک زندگی‌شان راد چهارچوب قوانینی که خودشان در وضع آن‌ها سهیم بوده‌اند انتخاب کنند. کافی است احساس کنند ایران برای همه ایرانیان است.

دکتر ولایتی در دیدار وزیر کشور پاکستان:

«غنی‌سازی» خط قرمز ایران است

رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا علیه ایران و نیز جنایات این رژیم در

غزه، بر لزوم هم‌فکری و اتحاد کشورهای اسلامی در برابر این اقدامات غیرقانونی تأکید کرد. وزیر کشور پاکستان نیز با محکومیت حملات و تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران حمایت خود را از مواضع ایران اعلام کرد.

در خصوص همکاری سه‌جانبه بین ایران، پاکستان و عراق در زمینه برگزاری مراسم اربعین دو طرف ضمن استقبال از این موضوع بر لزوم تقویت هماهنگی‌ها تأکید کردند. دکتر ولایتی با اشاره به حضور پرشور زائران پاکستانی در مراسم اربعین، گفت: «مردم مسلمان پاکستان از طریق ایران به عراق سفر کرده و در این مراسم عظیم شرکت می‌کنند؛ این کار علاوه بر

چرا دولت آمریکا فرانچسکا آلبانیزه، گزارشگر سازمان ملل را تحریم کرد؟

افشای اقتصاد نسل‌کشی



گزارشی که ساختار قدرت را لرزاند

در سوم ژوئیه ۲۰۲۵، آلبانیزه با ارائه گزارشی با عنوان «از اقتصاد اشغال تا اقتصاد نسل‌کشی» به شورای حقوق بشر سازمان ملل، موجی از واکنش‌های جهانی را برانگیخت. در این گزارش، او بیش از ۶۰ شرکت بین‌المللی را متهم کرد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نسل‌کشی رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها نقش داشته‌اند. شرکت‌هایی مانند گوگل، آمازون، مایکروسافت، لاکهید مارتین، مرکس، آی‌بی‌ام و پالانتیر، در فهرست او قرار گرفتند؛ فهرستی که او آن را نقشه همدستی در نسل‌کشی توصیف کرد. این گزارش صرفاً یک سند حقوقی نیست، بلکه تلاشی برای ترسیم نقشه‌ای جامع از شبکه‌ای است که در آن اقتصاد، تکنولوژی، نظامی‌گری و سکونت دیپلماتیک، با هم یکی شده‌اند. آلبانیزه در گزارشش به دقت نشان داده که چگونه پروژه‌هایی مانند Project Nimbus (تأمین زیرساخت‌های ابری برای ارتش رژیم صهیونیستی توسط گوگل و آمازون) به‌طور مستقیم در حملات نظامی نقش داشته‌اند. گزارش او بر مبنای داده‌های موثق و منابع متعدد بین‌المللی تنظیم شده و در عین حال از لحن انسانی و مسئولانه‌ای برخوردار است که آن را از بسیاری گزارش‌های دیگر که در این حوزه نگارش شده، متمایز می‌کند.

تحریم به جای پاسخگویی

واکنش کشورهای غربی خصوصاً آمریکا به این گزارش کاملاً قابل پیش‌بینی بود. مارکو رویبو، وزیر امور خارجه آمریکا، تحریم آلبانیزه را اعلام کرد. وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد، دولت واشنگتن، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را به دلیل تلاش‌هایش برای وادار کردن دیوان کیفری بین‌المللی به اقدامات علیه مقامات آمریکایی و اسرائیلی، تحریم کرده است. مارکو رویبو، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: «امروز من، فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در امور حقوق بشر فلسطین را به دلیل تلاش‌های نامشروع و شرم‌آورش برای تحریک دیوان کیفری بین‌المللی علیه مقامات، شرکت‌ها و مدیران اجرایی آمریکایی و اسرائیلی، تحریم می‌کنم.»

وزیر خارجه آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از کار جنگ‌سیاسی و اقتصادی آلبانیزه علیه ایالات متحده و اسرائیل را دیگر بر نمی‌تاییم. ما همیشه در کنار شرکای خود در حق دفاع از خود خواهیم ایستاد. ایالات متحده اقدامات بیشتری را برای پاسخ به جنگ حقوقی و محافظت از حاکمیت خود و حاکمیت متحدانش انجام خواهد داد.» این حمله‌ها، در واقع تکرار همان الگوری سرکوب‌صدهای مستقل است که پیش‌تر هم در قبال کارشناسان و قضات سازمان ملل دیده شده‌بود. وقتی دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازشناخت برای مقامات صهیونیست صادر کرد، دولت آمریکا با وضع تحریم علیه قضات آن، تلاش کرد اقتدار این نهاد مستقل بین‌المللی را زیر سؤال ببرد. حالا هم آلبانیزه در معرض تهدید مشابهی قرار گرفته است؛ تهدیدی که به گفته بسیاری، نه نشانه افرای بی‌ودن گزارش او، بلکه نشانه مؤثر بودن آن است.

اقتصاد نسل‌کشی؛ سود در برابر جان انسان

مفهوم اقتصاد نسل‌کشی که در گزارش آلبانیزه به آن پرداخته شده، نقطه عطفی در نگاه به مسئولیت شرکت‌های فراملیتی است. برخلاف گذشته که تأکید بر دولت‌ها بود، این گزارش نقش فعال شرکت‌ها، از تولید تسلیحات و ارائه خدمات داده محور تا حمایت مالی و زیرساختی را در ارتکاب یا تسهیل جنایات بین‌المللی روشن می‌کند. او با اشاره به افزایش ۶۵ درصدی بودجه نظامی رژیم صهیونیستی طی سال گذشته، استدلال می‌کند که نسل‌کشی در غزه نه تنها یک تراژدی انسانی، بلکه یک مدل سودآور اقتصادی برای شرکت‌ها و دولت‌ها شده است. این نگاه جدید، شرکت‌ها را نه صرفاً همدست، بلکه بازیگر مستقیم نسل‌کشی در غزه می‌داند؛ بازیگرانی که با سودجویی بی‌مرز، مشارکتی فعال در کشتار مردم بی‌دفاع دارند. آلبانیزه، این ساختار مالی را چرخه‌ای عجیب از پول و مرگ توصیف می‌کند و می‌گوید آمریکا با بودجه خود، تجهیزات جنگی را از شرکت‌های آمریکایی خریداری می‌کند، این تسلیحات به اسرائیل می‌رسد و در نهایت، سود آن میان نهادهای نظامی، شرکت‌های خصوصی و برخی دولت‌ها توزیع می‌شود در حالی که نتیجه نهایی، انباشت اجساد فلسطینیان است.

در چنین چرخه‌ای، ارزش انسان از میان می‌رود و آنچه می‌ماند صرفاً عده‌هایی در صورت‌های مالی است که نشان از موفقیت مالی دارد، حتی اگر پشت آن، ویرانه‌های غزه و پیکره‌ای بی‌جان کودکان خوابیده باشد.

پاسخ سازمان ملل؛ حمایت از استقلال کارشناسان

در پی تحریم اعلام‌شده علیه آلبانیزه، سازمان ملل موضع‌گیری محتاطانه‌ای اتخاذ کرد. استافن دوجاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که کارشناسان ویژه، از جمله آلبانیزه، مستقل هستند و شورای حقوق بشر آن‌ها منصوب می‌کند. او گفت که دبیرکل مسئولیتی در قبال محتوای گزارش‌ها ندارد، اما تأکید کرد تحریم‌های یک‌جانبه علیه مقامات سازمان ملل غیرقابل قبول است.

نهادهای حقوق بشری و برخی کشورهای عضو شورای حقوق بشر هم نسبت به حملات سیاسی به گزارشگر ویژه ابراز نگرانی کردند. فرانچسکا آلبانیزه اما در واکنش به تحریم اعلام‌شده از سوی دولت آمریکا گفت که دولت آمریکا اصلاً نسبت به عدالت حساس نیست و باید این واقعیت را پذیرفت. او گفت دلیل تحریمش همکاری با دادگاه بین‌المللی بوده و در این شرایط باز هم به همکاری با دادگاه ادامه خواهد داد، مانند هر کس دیگری که به دنبال عدالت است. در جهانی که ساختارهای رسمی اغلب با قدرت‌ها مصادات می‌کنند، صدای آلبانیزه برای بسیاری از مردم فلسطین و فعالان حقوق بشر، تنها صدایی است که هنوز حقیقت را بیان می‌کند. او با پذیرش تهدیدها و فشارها، بار سنگین افشای جنایت را به دوش می‌کشد.

فرهنگ‌نخبگان

جهان‌شمار



شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۵۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

رژیم صهیونیستی و همچنین صدور نفت به اسرائیل در اوج جنایات این رژیم علیه مردم مظلوم فلسطین اشاره کرد. شما می‌توانید از آن‌ها بپرسید که این اقدامات مغایر با دیدگاه مسلمانان و کشورهای اسلامی چرا انجام می‌شود؟» مشاور مقام معظم رهبری همچنین درباره احتمال مذاکره با آمریکا گفت: «ما با مذاکره‌ای که بدون پیش‌شرط و حفظ خطوط قرمز جمهوری اسلامی باشد، مخالفتی نداریم. آن‌ها می‌گویند که ایران باید از غنی‌سازی دست بکشد، درحالی‌که این مسئله از خطوط قرمز ماست و اگر قرار باشد مذاکره به توقف غنی‌سازی منوط شود، قطعاً چنین مذاکره‌ای انجام نخواهد شد.» وی همچنین در ادامه سخنان رئیس‌جمهور آمریکا را «متناقض و غیرقابل اعتماد» توصیف کرد.

نظیر رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه محترم در باره «تلاش برای جلوگیری از تکرار جنگ با استفاده از مسیر دیپلماسی»، مبتنی بر نگاه واقع‌گرایانه نیست و امکان مهار خواسته‌های غیرمنطقی و خارج از عرف دونالد ترامپ، نه «مماشات» بلکه «اقدام مقابل» است. البته کاملاً مشخص است که مسیرهای دیپلماتیک به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در روابط بین‌الملل و همواره باید مورد تأکید و استفاده قرار بگیرند؛ اما باید توجه داشت که با مذاکره نمی‌توان جنگ را مهار کرد؛ بلکه آمادگی برای جنگ است که می‌تواند میز مذاکره را به محلی برای رسیدن به نتایج واقعی – و نه مذاکره برای مذاکره یا حتی مذاکره برای فریب – تبدیل کند.

۱۵

سیاست «مماشات» چگونه منجر به جنگ شد؟

روز‌ها و در جریان مذاکرات جدید ایران و آمریکا قابل اعتناست.

رفتار‌ها و درخواست‌های دونالد ترامپ شباهت بنیادینی با راهبردهای آدولف هیتلر دارد؛ موضوعی که حتی متحدان ایالات متحده را هم به واکنش واداشته است. اقدام نظامی واشنگتن علیه کشورمان در جریان جنگ اخیر اسرائیل با ایران در میانه مذاکرات سیاسی نیز بار دیگر این گزاره را اثبات کرد که برای دورشدن از جنگ، باید بر «آمادگی برای جنگ» تأکید کرد و هرگز نمی‌توان از طریق راهبردهای دیپلماتیک نظیر مذاکره و حتی توافق سیاسی، به صلح رسید. اندیشمندان روابط بین‌الملل معتقدند که علت طولانی‌شدن دوره صلح در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، نه ارتقای ابزارهای دیپلماتیک